



۲۰۱۳/۰۲/۱۹

عبدالحكيم سامع

«جهاد مقدس»، نتایج «نا مقدس»؟

جای شک نیست که در آغاز «بحران» قریب «چهل» سال قبل کشور ما افغانستان، مقابله ها بر سر قدرت جریان داشته است. حلقات معلوم الحال، از «مقر» آنها در خارج از کشور عمدتاً در خاک پاکستان، به فعالیت های مسلحانه، علیه ریاست جمهوری «سردار محمد داؤد خان»، با صراحت بیشتر در سال ۱۹۷۵م، در کوه های «پنجشیر»، اقدام نمودند. نام های «احمد شاه مسعود و گلبدین حکمتیار» در آن زمان در جمله نیز شنیده می شد. با «کودتای چپی» اپریل ۱۹۷۸م یا ثور ۱۳۵۷هجری شمسی، الی ورود «قوای شوروی»، بین قوای «چپی ها» که اداره حکومتی را در دست گرفته بودند، با حلقات معلوم الحال که در اوایل، خود را «سازمان جوانان مسلمان افغانستان»، نام می دادند، جنگ در گرفت، که باز هم جز کسب «قدرت»، انگیزه دیگری متصور نبوده است.



Guerilla in Afghanistan, Contras in Nicaragua: Die vorderste Front der CIA

با ورود «قوای شوروی» که به عنوان «اشغال یک کشور کوچک» توسط یک قدرت بزرگ، از جانب محافل وسیع ملی و بین المللی شناخته شد، دامنه «مقاومت مسلحانه» علیه حکومت «کابل» و «قوای خارجی»، یعنی «قوای شوروی»، دامنه وسیع کسب نموده، «فتوا ها» و مفاهیم مختلف در باره «جهاد مقدس» هم ورد زبان عام و خاص گردید. اینراه می دانیم، که به چه پیمانها و با کدام وسایل جنگ شدید «سیزده سال» ادامه یافت. مروری بر صفحات مجله «شپینگل» چاپ «آلمان غرب» در سال ۱۹۸۴م، به تصویر ذیل برخوردم، که آقای «گلبدین حکمتیار» نسبت به هر کس دیگر، باید با آن آشنائی داشته باشد. امید است حافظه اش تا هنوز خوب باشد. (در پای تصویر می خوانیم: «گوریلا در افغانستان»، «کونتراس» در «نیکاراگوا»: جبهه مقدم «سی. آی. ای.»). در آن زمان حد اعظمی کمک های

«خارجی» را «حزب اسلامی» تحت رهبری «گلبدین حکمتیار» حاصل می نمود.

صرف نظر از اینکه در رابطه با «جهاد مقدس» و نحوه تطبیق آن، از همان آغاز اسلام، نظر کاملاً واحد وجود نداشته است، بدون «شک» که در «جنگ افغانسنان» افراطیون «بنیادگرای اسلامی» و همه «گروپ های تنظیمی - جهادی» مستقر در پاکستان و ایران، که از حمایت «آیدیالوژیک» «ملاهای پاکستانی» نظیر «قاضی حسین احمد» و «آیت الله» های «ایرانی» مستفید بوده اند، به حد اعظمی از همچو عقاید اسلامی، استفاده سوء نیز نموده اند. با نام ها، هویت و طرز العمل هر یک از «رهبران» و «جنگ سالاران» آنها، بخوبی آشنائی داریم.



قریب ۲۴ سال قبل «قوای شوروی» خاک افغانستان را ترک گفت و نزدیک به بیست و یک سال قبل، «حکومت چپی» سقوط نمود. در حقیقت روی تعریف «جهاد مقدس» باید اقلا، در همان آغاز خروج قوای شوروی «تجدید نظر» لازم صورت گرفته می توانست. بعد از «سقوط رژیم»، براه انداختن «جنگ داخلی»، بین گروپ های مسلح «تنظیمی» خود، دلایل بی شمار، نشان دادن شک جدی در اعتقاد خود آنها، «جهاد مقدس» را بزبان می آوردند، وجود داشته است.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ



حال اینک قریب ۲۱ سال بعد، یکی از شرکای اصلی «جرم جنگ داخلی» و ریختن خون بی گناهان در جنگ های «تنظیمی» بخصوص در جنگ های «تنظیمی» در کابل، بعبارت خاص اعتراف نموده، شهادت تاریخی را برین اعمال نا بخشودنی انجام داده است. درین مدت بیش از بیست سال هنوز هم این شخص و گروپ او در فکر راه حل «سیاسی» نبوده، از طریق «اسلحه و شمشیر» همه قدرت را میخواد. انتخابات را می پذیرد، بشرطیکه مردم همه به او «رأی» بدهند. این شخص «گلبدین حکمتیار» بنیان گذار «حزب اسلامی» است. ممکن است، برای خودش تا اکنون، بدرستی معنی و مفهوم اصلی، این بیان اخیرش روشن نباشد. پس از سال ۱۹۹۲م، با

کدام قوای «خارجی» مقابل بوده است؟ از صحبت اخیر او در خبر منتشره در «پورتال افغان جرمن آنلاین» به زبان پشتو که بتاریخ ۲۰۱۳/۰۲/۱۷، منتشر شده است، می خوانیم:

«د افغانستان د اسلامي حزب مشر گلبدين حکمتيار په يوه مرکه کې وويل، په نوي يمه لسيزه کې د کابل په تنظم جنگي کې يوازې شاوخوا زر تنه وژل شوي وو.» در جای دیگر، با ذکر کلمه «افغان»، با «عوامفریبی» چنین ادعا می نماید: «که دیموکراسی، د بنحو حقونه، د بیان آزادی او قوانین دا وی چی امریکایانو په کابل او بغداد کی وینودل او د رسنیو له لوري په پراخه پیمانانه ورته کمپاین کېږي، دا خو مور نه منو او له دا ډول ولسواکی کرکه کوو. د یوه آزاد افغان په توگه مور داسی دیموکراسی ردوو او ورسره مخالفت ته دوام ورکوو.» نوع مبارزه او و یارانش معلوم است. قضاوت را بهتر است به مردم ما بسپاریم. تا اکنون گزارشات وسیع مطبوعاتی را می دانستیم. در مقاله قبلی تحت عنوان: «رد پای خونین گلبدین حکمتیار عوامفریب»، «فاکت ها» و حقایق چند در باره او و مجرمین دیگر جنگ داخلی، چون «مسعود» و «سیاف» و غیره نام برده شده است، که جهت تسهیل، بعنوان تکرار احسن قسمتی از آن را در ذیل نیز نقل می گردد.



Widerstands-Chef Hekmatjar
"Wir Afghanen haben nie nachgegeben"

«گلبدین «حکمتیار» که در حال حاضر از جمله «متحدان پروتوکولی»، «طالبان»، «الفاعده»، «حقانی» و غیره شمرده می شود، به حد اعظمی، ادعای «ضدیت» با خارجی ها را تبلیغ می کند، «کینه علیه بیگانه» را پخش نموده، جنگ را گرم نگه می دارد، در عین زمان، با استفاده از امکانات، محافل حکومتی پاکستان، سعودی، حتی ایران و غیره، در تنظیم فعالیت های اعضای آن در داخل افغانستان، از فعالیتهای تخریبی و تروریستی در خارج از ارگانهای اداری - سیاسی گرفته، الی داخل «دستگاه» موجود «اداری سیاسی» در افغانستان، تیارز می نماید.

همه بیاد دارند که در زمان «مقاومت» علیه «قوای شوروی» این «شخص» و «تنظیم جنگی او» حد اعظمی، کمکهای «مالی» و «اسلحه» بدست می آورده است. در جناح «تند روان»، تنظیم های مستقر در پاکستان، که بنام «هفتگانه» یاد می گردید، در صف «چهارگانه»، که عبارت بوده است از «حزب اسلامی» (گلبدین حکمتیار)، «حزب اسلامی» (مولوی محمد یونس خالص)، «جمعیت اسلامی» (برهان الدین ربانی) و «اتحاد اسلامی» (عبدالرسول سیاف، عضو افشاء شده استخبارات سعودی و وهابی پرده دریده). در گروه مقابل، که به «سه گانه» یاد میگردید، «جبهه نجات ملی»

(صبغت الله مجددی)، «محاذ ملی افغانستان» (پیر سید احمد گیلانی) و «حرکت انقلاب اسلامی» (مولوی محمد نبی محمدی). در آنزمان این سه گروپ را «معتدل» می دانستند. ازین گروپ آخری، تعداد زیادی در رهبری «جنبش طالبان» قرار گرفتند، چهره های معینی هم در داخل «دستگاه - اداری - سیاسی» نفوذ نموده اند. صرفنظر از آنکه از همان لحظات نخست، تلاش «گلبدین حکمتیار» که در نقاط مختلف «شهر» منجمله در صحن، «وزارت خارجه»، «ارگ جمهوری»، «وزارت داخله»، قله های کوه های جنوب شهر و غیره که بالاخره در «چهار آسیاب» جای گرفت و «دامادش» مسمی به «معلم فرید» را بحیث «صدراعظم» فرستاد، چنان اسناد و

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

شواهد وجود دارد، که با هر امریه خود آقای «گلبدین حکمتیار» بخوبی می دانسته است، که خون یک افغان «بی گناه» ریختنی است، باز هم این کار را کرده است. هزار نفر چه، که قتل یک افغان و یا یک انسان بی گناه، هر کسی که باشد، کافی است، که «دوسیه» محاکمه او و سائر مجرمین «باز» گردد. قتل یک انسان را قتل بشریت می خوانند.

پایان

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ